

نقش مکتب تشیع در پیروزی انقلاب ایران از دیدگاه مستشرقان

حسن تلاشان / استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی
حسن احمدی / کارشناس ارشد علوم سیاسی
محمد دهقانی / کارشناس ارشد تاریخ تشیع

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی ایران، آثار عمیق، گسترده و متفاوتی بر نظریه‌پردازان غربی گذاشت و در عصری که حضور دین در جامعه پایان یافته تلقی می‌شد، چالش‌های فراوانی را برای دنیای غرب ایجاد کرد و در پی آن، موجی از نظریه‌پردازان غرب توجه خود را به انقلاب ایران معطوف ساختند. از آنجا که مذهبی بودن انقلاب اسلامی، یکی از ویژگی‌های آن به‌شمار می‌رود، و با توجه به پیروی اکثریت مردم ایران از مذهب تشیع، برخی از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی، این پدیده را با چنین دیدگاهی مطالعه کرده‌اند. مستشرقان پس از یک غفلت طولانی، به نقش و اهمیت مکتب تشیع و کارایی آن در رویدادهای سیاسی و اجتماعی در ایران پی بردند و اعتراف کردند که چه پتانسیلی در مذهب تشیع و اعتقادات شیعیان نهفته است. اندیشمندان غربی در مورد انقلاب ایران، نقش مذهب را بسیار چشمگیر می‌دانند که توانسته است گروه‌های غیرمذهبی یا شبه‌مذهبی را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد. مکتب تشیع با معارف عمیقی چون اعتقاد به مهدویت، وجود روحانیون و مراجع و رهبری دینی، عاشورا، شهادت، وحدت و اتحاد توانسته است بزرگ‌ترین انقلاب قرن را رقم بزند که درک این انقلاب برای بسیاری از اندیشمندان دشوار است. کلیدواژه‌ها: انقلاب ایران، شیعه، عاشورا، مستشرقان، مهدویت.

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران نظریه‌های انقلاب را دگرگون ساخت و موجی از نظریه‌های جدید پیرامون پدیدهٔ انقلاب‌ها را به ادبیات سیاسی جهان وارد کرد. محور اصلی این حرکت و انقلاب، عنصری به نام مذهب است که پشتوانهٔ آن، نهاد فکری و تاریخی شیعه است. امام خمینی علیه السلام در اوج نابوری تحلیلگران بین‌المللی، با عقاید مذهبی - که غرب آنها را کهنه و قرون وسطایی می‌دانست - جهان را تکان داد. (حاجتی، ۱۳۸۱، ص ۲۸) انقلاب اسلامی ایران ضمن طرح اسلام به عنوان نیروی جدید در جهان مدرن، نظریهٔ پایان دورهٔ دین را به چالش کشید و ثابت کرد که نه تنها دورهٔ دین و باورهای مذهبی به پایان نرسیده است، بلکه مذهب می‌تواند به مثابه نیروی تحول‌زا در جوامع، ایفای نقش کند. «اوج‌گیری خیزش مذهب و انقلاب، سراسر جهان را درنوردید و دنیای غرب به دلیل انقلاب ایران، بار دیگر اسلام را کشف کرد». (همان، ص ۳۲)

بسیاری از پژوهشگران، پس از آگاهی از نقش تاریخی مذهب در تحولات سیاسی - اجتماعی جامعهٔ ایران از جمله انقلاب، این پدیده را با چنین دیدگاهی مطالعه کرده‌اند که از میان متغیرهای انقلاب (نظریه‌های توطئه، مشکلات اقتصادی، مدرنیزه کردن ایران و...)، اساسی‌ترین عامل کدام است. تحقیق و بررسی نظرات مستشرقان دربارهٔ ابعاد گوناگون انقلاب اسلامی با شناختی که از خطوط فکری، ساختار ذهنی و روش‌های کاری آنان در دست است، جای تأمل دارد.

این انقلاب، عظمت خود را از اسلام و مکتب تشیع دارد و این همان امری است که حتی ناظران غربی هم نمی‌توانند آن را کتمان کنند. پروفیسور آن‌ماری شیمل (Anne Marie schimmel)، دانشمند و مستشرق برجستهٔ آلمانی بیان می‌کند: آنچه مرا خیلی ناراحت کرده و آزار می‌دهد، این است که شخص نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در غرب بسیار ناشناخته است. عدهٔ کمی در اروپا هستند که می‌دانند ایشان حلقهٔ عشق میلیون‌ها مسلمان است». (روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۵۷)

ماکس وبر (Max Weber)، نخستین اندیشمندی بود که در دنیای غرب به نقش دین و مذهب در انقلاب‌ها توجه کرد. وی در دیدگاه خود، بر نقش نظام عقیدتی و

تأثیر آن که بر کنش افراد، تأکید می‌کند. از نظر وی، بهره‌کشی طبقه حاکم از طبقه محروم و محکوم در جامعه، در بستر اندیشه و تفکر در جامعه معنا می‌یابد. در برداشت وبر، دین و نظام‌های عقیدتی بر نحوه ادراک نیز تأثیر می‌گذارد. بنابراین، در جوامع غربی، آنجا که مذهب پروتستان مسلط است و ارزش‌های طبقه کارگر بر اساس آموزه‌های مذهبی شکل می‌گیرد، احتمال بروز انقلاب جامعه‌گرایانه کم است. به نظر وبر، نقش اندیشه‌ها در کنش و واکنش جوامع متفاوت است. (وبر، ۱۳۷۴، ص ۳۹۲)

گروهی از نویسندگان که انقلاب اسلامی و ویژگی‌های آن را تحلیل و تبیین کرده‌اند، به نقش شریعت در این پدیده، توجه ویژه‌ای داشته و در تفسیرهای خود به آن پرداخته‌اند. پیروزی انقلاب را می‌توان گوشه‌ای از قدرت اسلام و تشیع دانست و به آن مباحثات کرد؛ انقلابی که با پیروزی خود نظر اغلب تحلیلگران انقلاب اسلامی ایران را به خود جلب کرد و ناظران خارجی را به حیرت انداخت. آرنولد توین‌بی (Arnold Toynbee)، مورخ معروف انگلیسی، از معدود کسانی است که در دنیای غرب تجدید حیات و عظمت تمدن اسلام و برقراری حکومت اسلامی را با عنوان «پان اسلامیسم» از دیدگاه خود پیش‌بینی کرده بود. (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۱). تعبیر آرنولد توین‌بی، همان تعبیری دیلیپ هیرو (Dilip Hiro)، نویسنده هندی است: «بسیاری از مفسران، ایران را به عنوان یک نمونه‌ای از احیای اسلامی که جهان اسلام را در طول دهه‌های گذشته دربر گرفته، بیان می‌کنند». (همان، ص ۲۲۲) او در خصوص موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی می‌گوید: «یک شگفتی (حتی) برای انقلابیون بود؛ همان طوری که برای شاه و حامیان خارجی‌اش بود». (همان، ص ۲۱۷) و «ظهور امام خمینی - رحمت الله علیه - به عنوان رهبر بلامنازع حرکت انقلابی، شگفتی عمده‌ی دیگری بود». (همان، ص ۲۱۸)

دکتر منصور معدل استاد دانشگاه انگلستان معتقد است که: «ویژگی اصلی انقلاب ایدئولوژی است. تصور انقلاب ایران بدون توجه به نقش اسلام شیعی در ایجاد و تداوم جنبش انقلابی ۵۷ و تأثیر آن در شکل‌گیری پیامدهای انقلابی، بسیار مشکل است». (معدل، ۱۳۷۵، ص ۵۲)

میشل جانسون (Mishelle Johnson) دربارهٔ انقلاب ایران اظهار داشت: می‌توان به‌طور حتم گفت که انقلاب ایران نخستین پیروزی مسلمین بر غرب، از قرن شانزدهم به این طرف محسوب می‌شود و نکته اینجاست که اسلام، عامل هدایت‌کنندهٔ این انقلاب بود و هیچ‌یک از عوامل تأثیرگذار غربی در آن نقشی نداشتند. در واقع، این انقلاب عظمت خود را از اسلام و مکتب تشیع دارد و این همان امری است که حتی ناظران غربی هم نمی‌توانند آن را انکار کنند. پرسش اصلی در این پژوهش این است که از دیدگاه مستشرقان، مکتب تشیع چه نقشی در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشته است؟

تعریف مفاهیم

انقلاب: «انقلاب عبارت است از تلاش موفق یا ناموفق که به‌منظور ایجاد تغییراتی در ساخت جامعه از طریق اعمال خشونت انجام می‌گیرد». (جانسون، ۱۳۶۳، ص ۱۷) ارائهٔ تعریفی دقیق از انقلاب، آسان نیست. به‌طور کلی می‌توان انقلاب را این گونه تعریف کرد: انقلاب، دگرگونی بنیادی در همهٔ زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به‌ویژه سیاسی است نسبت به آنچه پیش از انقلاب استوار بوده است؛ و این دگرگونی‌ها همیشه با سرنگونی نظام سیاسی حاکم پیش می‌آید و اغلب با کارهای خشونت‌آمیز و خونریزی‌ها همراه است. (عبدالحمید، ۱۳۷۰، ص ۳۶۴)

شیعه: «کسانی که از علی علیه السلام پیروی کرده و به طرف‌داری از آن حضرت، با دشمنان او مبارزه کرده و پس از او، از فرزندان او که جانشین آن حضرت بوده‌اند، پیروی کرده‌اند». (طبرسی، ۱۳۵۸، ج ۱۱، ص ۲۱) «کسانی که جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را حق اختصاصی خاندان رسالت دانسته و در اخذ معارف اسلام، پیرو مکتب اهل‌بیت (امامان شیعه) می‌باشند». (طباطبایی، ۱۳۵۴، ص ۲۶-۲۵)

مستشرق: «مستشرق در لغت، به‌معنای روشن و تابان و شرق‌شناس (= خاورشناس) است؛ و به کسی که درمورد مسائل مشرق‌زمین تحقیق کند، مستشرق گویند». (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۸۲۱)

عوامل مؤثر در پیروزی انقلاب اسلامی

پرسش اساسی این است که چرا مردم ایران پس از یک قرن تلاش برای مدرن شدن، در برابر مدرنیته قیام کردند؛ در حالی که به صورت طبیعی می‌بایست در غرب که مهد مدرنیته است، چنین اتفاقی رخ می‌داد؟ علت این امر را باید در مذهب تشیع جست‌وجو کرد؛ زیرا مذهب شیعه خصوصیات دارد که فرهنگ غرب فاقد آن است. اندیشه شیعی و آموزه‌های آن بود که باعث شد بسیاری از اندیشمندان سکولار برای تحلیل انقلاب، درباره اسلام و تشیع و نقش آن در پیروزی انقلاب تحقیق کنند. در این مقاله برخی از این دیدگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. الگوی مهدوی

ایمان به مهدویت، جایگاه والایی در فرهنگ ناب شیعه دارد. شیعه، حیات و بالندگی خود را مدیون آن است و بر آن اساس زندگی و رشد می‌کند. فرهنگ مهدویت، در شکل‌گیری مبانی فکری و ایدئولوژیکی انقلاب ایران نقشی مؤثر و انکارناشدنی داشت و ایمان به مهدویت، رمز پیروزی انقلاب اسلامی بود. روحیه انقلابی شیعه، بر پایه اندیشه بنیادین مهدویت شکل گرفته و این دیدگاه است که انتظار طولانی‌مدت و بازگشت نهایی دوازدهمین امام شیعه برای شکل دادن عصر جدید را تبیین می‌کند. (Corman, 2011, p.21) ویلیام وات (William Watt)، می‌گوید: «اعتقاد به امامت و مسئله انتظار، از جمله ویژگی‌های تشیع‌اند که در اندیشه سیاسی شیعه، نقش مهمی ایفا می‌کنند. این منجی‌گری، تبدیل به یکی از جنبه‌های اساسی اسلام تشیع شد.» (بلخاری، [بی‌تا]، ص ۱۳۰) اندیشه سیاسی شیعه با آموزه مهدویت همواره پویا و با نشاط بوده و در همه حال نقش اساسی را در قیام مردم ایران ایفا کرده است.

می‌توان بر این اعتقاد پای فشرده که همه ارکان لازم برای آفرینش یک تحول اجتماعی حقیقی، همه‌جانبه و کامیاب، در انتظار مهدی موعود نهفته است. ماربین، مهدویت را از مواردی می‌داند که موجب امیدواری شیعه به آینده شده است. وی می‌گوید: «از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهم که همیشه موجب امیدواری شیعه به آینده شده است، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور او است.» (همان، ص ۱۳۲)

یکی دیگر از اندیشمندان غربی، با توجه به آموزه مهدویت در شیعه می‌گوید: «ایران با استفاده از شمشیر قدرتمند سیاست اسلامی، مشروعیت نظام منطقه‌ای را به‌چالش کشید که رهبری آن، جهان خارج را از خلال منشور موعودگرایی اسلامی می‌نگرد».

(جرجیس، ۱۳۸۲، ص ۲۱۹)

فوکو (Michl Foucault) اعتقاد به امام زمان را موتور محرکه هیجانات اجتماعی شیعه می‌داند و اعتقاد به مهدویت را عاملی می‌داند که مردم را در حالت آمادگی کامل قرار می‌دهد؛ زیرا وقتی انتظار فرج بر هر مسلمان شیعه واجب شد، آنها را در حالت آمادگی کامل قرار می‌دهد. بنابراین، آنها برای هر حادثه‌ای آماده خواهند بود؛ به‌ویژه اینکه بر خود واجب می‌دانند زمینه ظهور امام عصر را فراهم کنند؛ پس نه تنها در آمادگی کامل قرار دارند، بلکه اقدام به اصلاح نیز در سرلوحه امورشان قرار دارد. مردم شیعه ایران، برای رسیدن به این آرمان، انقلاب خود را رقم زدند. (فوکو، ۱۳۷۵، ص ۳۶-۳۷) حامد الگار، اندیشمند مسلمان آمریکایی، اعتقاد به مهدویت را یکی از عوامل زمینه‌ساز انقلاب ایران ذکر می‌کند و می‌گوید: «ریشه انقلاب، به موضوع امامت در دیدگاه شیعه و مسئله غیبت امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و پیامدهای سیاسی آن عقیده ارتباط دارد که تجلی عینی اعتقاد به نیابت است».

(الگار، [بی‌تا]، ص ۴۵)

اسکاچپول نیز با توجه به مذهبی بودن انقلاب اسلامی ایران، به نقش اسلام شیعی در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می‌کند و تمایلات شیعی را در انقلاب ایران، از جمله عوامل قاطع و انکارناپذیر برمی‌شمارد و می‌نویسد: اقتدار مشروع در اجتماع شیعه، از دیرباز بین رهبران سیاسی و مذهبی تقسیم شده است؛ به گونه‌ای که هیچ کدام از این رهبران نمی‌توانند به‌طور صریحی مدعی نمایندگی کامل اراده امام غایب، یعنی رهبر عالی مقامی که از قرن نهم وارد دوره غیبت شده، باشند. (اسکاچپول، ۱۳۸۲، ص ۲۹) وی نقش امام خمینی، به‌عنوان یک کانون مرکزی برای رهبری انقلاب ایران را پژواکی از انتظار مداوم مردم ایران برای ظهور امام دوازدهم می‌داند. (همان، ص ۱۳۴)

۲. آیین‌های مذهبی

آیین‌های مذهبی چهلم، عاشورا، اعیاد اسلامی، تولد و شهادت پیشوایان دین، از جمله آیین‌ها و مراسم مذهبی بودند که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش اساسی داشتند. نمادهای اسلامی، نشانه هم‌بستگی جامعه دینی به‌شمار می‌روند. واقعه عاشورا به فرهنگی عمومی در بین ملت تبدیل شده بود و ملت ایران سکوت در قبال استبداد و اسلام‌ستیزی رژیم را خیانت به شهدای کربلا و اسلام می‌دانست. جالب آنکه جرقه بیشتر راهپیمایی‌های بزرگ، از سنن شیعی و مذهبی زده می‌شد. از جمله مفاهیمی که در چند دهه پیش از انقلاب اسلامی ایران مورد بازشناسی و بازتفسیر متفکران شیعی قرار گرفت، موضوع شهادت و بحث‌های حول و حوش عاشورا و قیام امام حسین (ع) در کربلا بود که بی‌تردید، بخش اساسی هویت انقلابی تاریخی شیعه را تشکیل می‌دهد و نقش بنیادینی در تبیین منطق عدالت‌گرایانه و مبارزه‌جویی شیعه در برابر ظلم ایفا کرده است.

حضرت امام خمینی (ره) با توجه به نقش محرم و صفر در تکوین و تداوم انقلاب، بر حفظ سنت‌های آن بسیار تأکید داشتند و آن را ضامن حفظ و تداوم انقلاب می‌شمردند. حمید عنایت نیز در این زمینه می‌نویسد: «امام خمینی شاید بیش از هر متاله شیعه، که دارای منزلتی قابل قیاس با وی باشد، خاطره کربلا را با احساس جاری از ضرورت سیاسی به کار گرفت». (عنایت، ۱۳۶۱، ص ۲۴۵)

تداوم اسکاچپول درباره عاشورا و نقش آن در انقلاب می‌نویسد: انقلاب اسلامی توسط مجموعه‌ای از شکل‌های فرهنگی و سازمانی ریشه‌دار و اسلامی شیعی و اسطوره بنیادین تشیع، یعنی امام حسین (ع) و شبکه مساجد و روحانیت و... به گونه‌ای هوشیارانه ساخته شد. (محمدی، انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۶)

بزرگ‌ترین اعتراضات مردمی در طول انقلاب، در تاسوعا و عاشورای حسینی شکل گرفته است. قیام پانزدهم خرداد نیز مصادف با ایام عاشورا بود. در سال ۱۳۵۷، بیش از دو میلیون نفر در تهران در راهپیمایی این روز شرکت کردند که موجب شگفتی ناظران خارجی شد. (برید و بلاشر، ۱۳۵۸، ص ۴۱)

برگزاری مراسم یادبود برای شهدا، از دیگر نمادهای دینی است که تداوم حرکت انقلاب را موجب شد. این کار از سال ۱۳۵۶ آغاز گردید. کدی در این زمینه

می‌نویسد: «برگزاری مراسم چهارم، از بهترین نمونه‌های استفاده از سنت‌های شیعی در جهت اهداف سیاسی بود». (کدی، ۱۳۶۹، ص ۲۴۳)

فوکو، یکی از صحنه‌های نمایش قدرت مردم ایران را مراسم عزاداری سالار شهیدان امام حسین علیه السلام می‌داند؛ (فوکو، ۱۳۷۵، ص ۶۵) به گونه‌ای که یکی از مشاوران آمریکایی گفته بود: «اگر ماه محرم را مقاومت کنیم، همه چیز را می‌توان نجات داد؛ وگرنه...». (همان، ص ۵۳) فوکو موفق شده است تا رابطه‌ای معنادار و عمیق را بین عمل جمعی، آیین مذهبی و رفتاری از نوع حقوق عمومی در تظاهرات انبوه و مستمر مردم ایران، کشف کند. از نظر او، آنچه مردم ایران در سال ۱۳۵۷ در حال انجام آن بودند، عملی سیاسی و قضایی بود که در قالب و درون آیین مذهبی به صورت دسته‌جمعی صورت می‌پذیرفت. اعتصاب‌ها در ماه محرم و در خلال عزاداری‌ها، چنان گسترده شده بود که مرفه‌ترین و حتی فاسدترین اقشار را به همراهی با انقلابیون واداشت؛ و این نبود، مگر قدرت بی‌مثال آیین‌های مذهبی محرم. (همان، ص ۵۴)

فوکو در تظاهرات مردم ایران، رابطه‌ای معنادار را در میان عمل جمعی و آیین مذهبی کشف می‌کند و می‌گوید: آنچه مردم ایران در سال ۱۹۷۹م انجام دادند، «عملی است سیاسی و قضایی که در قالب و درون آیین مذهبی به صورت دسته‌جمعی صورت می‌پذیرد». (حقیقی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۷)

۳. وجود روحانیت و مرجعیت شیعی

روحانیت شیعه توانسته است در طول تاریخ، منشأ حرکت‌های بزرگ شود این امر دو دلیل اصلی داشته است: دلیل اول، ویژگی خاص فرهنگ روحانیت شیعه است. فرهنگ شیعی، یک فرهنگ زنده، حرکت‌زا و انقلاب‌آفرین است. این فرهنگ، از روش علی علیه السلام و اندیشه‌های او تغذیه می‌کند؛ فرهنگی است که در تاریخ خود عاشورا دارد؛ صحیفه سجادیه و دوره امامت و عصمت ۲۵۰ ساله دارد. هیچ‌یک از فرهنگ‌های دیگر چنین عناصر حرکت‌زایی در خود ندارند. دلیل دوم اینکه، روحانیت شیعه از ابتدا اساسش مخالفت با قدرت‌های سلطه‌گر حاکم بوده است؛ روحانیتی که از دولت مستقل است.

برخی از متفکران غربی به نقش روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی توجه کرده‌اند. ژان پیر دیگارد (Jean-Pierre Dygard)، مردم‌شناس فرانسوی، بر نقش مذهب و روحانیت تأکید می‌کند و تلاش‌ها و مبارزات پیوسته روحانیون را یکی از عوامل پیروزی انقلاب می‌داند. او معتقد است که تشیع، بیشتر به‌عنوان یک حرکت سیاسی مطرح بوده است تا یک فرقه مذهبی. به‌اعتقاد وی، پس از شروع غیبت کبرای امام دوازدهم، شیعه برای حل مشکل رهبری جامعه خود، تهاجمی‌ترین و پویاترین راه را برگزید. او معتقد است که شیعه پس از حادثه کربلا، با دو ویژگی از دیگر فرقه‌ها متمایز می‌شود: ۱. پناه بردن به تقیه و کتمان؛ ۲. تعزیه و عزاداری. (شجاعیان، ۱۳۸۲، ص ۱۹۹)

دیگارد بر این اعتقاد است که در آستانه انقلاب اسلامی، یک شکاف عمیق، جامعه ایران را به دو بخش تقسیم کرد: در یک سو طبقه حاکم و وابستگان غرب‌زده، و در سوی دیگر اکثریت قاطع مردم مسلمان قرار داشتند که پیرو فرهنگ اسلامی بودند و آیت‌الله خمینی رهبری آنها را برعهده داشت. به‌اعتقاد دیگارد، انقلاب اسلامی نتیجه نزاع این دو طبقه بود. وی عناصر اصلی انقلاب اسلامی ایران را رهبری روحانیت، مستضعفان و بازاریان می‌داند. اسپوزیتو درباره ماهیت انقلاب اسلامی چنین می‌گوید: «ایران نخستین انقلاب سیاسی اسلامی موفق را به جهان عرضه کرد. انقلابی که با نام اسلامی و با شعار الله اکبر، بر مبنای ایدئولوژی و نهادگرایی شیعه و رهبری روحانیت و غیرروحانیت استوار بود». (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص ۴۹)

حامد الگار می‌گوید: «تمام حوادثی که در پیش‌برد انقلاب ایران مؤثر بوده است، جنبه اسلامی و دینی داشته؛ و اطاعت اکثریت قاطع مردم از دستورهای حضرت امام راحل، بی‌نهایت مهم بوده است؛ و یکی از دلایلی که انقلابی همانند انقلاب ایران را تا کنون در هیچ‌کدام از کشورهای اسلامی شاهد نبوده‌ایم، وجود همین رهبری و نقش رهبری علما و روحانیون بوده است؛ یعنی در مکتب تشیع، مسئله تقلید و اطاعت از مرجع جامع‌الشرایط، البته در مسائل دینی بسیار مهم است». (الگار، ۱۳۷۹، ص ۱۶)

میشل فوکو، یکی از ویژگی‌های خاص شیعه را وجود مرجعیت شیعه می‌داند. از نظر او، مراجع رهبران طبیعی و واقعی مردم‌اند و نقش آنها در پیروزی انقلاب

اسلامی ایران قابل توجه است. درحالی‌که رهبری رسمی بر جامعه، به هزینه‌های زیادی همچون نهادهای اجرایی، نیروهای نظامی و قانون‌گذاری و... نیاز داشت، مرجعیت شیعه بدون این نیازها، رهبری واقعی جامعه را عهده‌دار بود؛ از سویی، برخی از مردم حقوق‌بگیر دولت بودند؛ اما در عمل، کارگزار و گوش‌به‌فرمان مراجع تقلید بودند. فوکو وقتی با یک خلبان بوئینگ مصاحبه می‌کند، با لحن آمرانه‌ای از او پاسخ می‌شنود که: «گران‌بهاترین ثروتی که ایران از قرن‌ها پیش تا کنون داشته، در فرانسه پیش شماست. خوب نگهداریش کنید». (فوکو، ۱۳۸۰، ص ۵۸)

فوکو از شنیدن این جمله‌ها بسیار تعجب می‌کند و به قدرت روحانیت شیعه پی می‌برد و می‌گوید:

«نبود سلسله مراتب در میان روحانیت، استقلال روحانیون از یکدیگر، و عدم وابستگی آنها حتی از نظر مالی به مریدان خود، اهمیت مرجعیت روحانی محض در نزد مقلدان، نقشی که روحانی باید برای حفظ حامیان خود ایفا کند، که هم نقش راهنماست و هم نقش بازتاب؛ این از لحاظ سازمانی. از لحاظ اعتقادی هم این اصل که حقیقت با آخرین پیامبر کارش به پایان نمی‌رسد و بعد از محمد ﷺ دور دیگری آغاز می‌شود که دوره ناتمام امامانی است که به سخن خود، با سرمشقی که با زندگی خود می‌دهند و با شهادت خود، حامل نوری هستند که همواره یکی است؛ نوری که شریعت را از درون خود روشن می‌کند». (همان، ص ۳۶)

او معتقد است که روحانیت را نباید با انقلابیون چپ مارکسیستی مقایسه کرد؛ زیرا اینگونه نیست که مذهب و روحانیت شیعه در برابر حکومت و نوسازی منفور آن، موجب لختی و بی‌حرکتی شود؛ همچنین مذهب شیعه، نه ایدئولوژی است و نه زبان ساده‌ای برای بیان آرزوهایی که الفاظ دیگری پیدا نکرده‌اند؛ «بلکه چیزی است که در گذشته هم بارها بوده است. شکلی که مبارزه سیاسی - همین که لایه‌های مردمی را بسیج کند - به خود می‌گیرد و از هزاران ناخرسندی، فقر، بینوایی و سرخوردگی، یک نیرو پدید می‌آورد. (همان، ص ۳۱-۳۲)

یراوند آبراهامیان، یکی از کسانی است که پیروزی انقلاب اسلامی را در چهارچوب جامعه‌شناسی سیاسی مارکسیستی مطالعه کرده است. او در پاسخ به

چرایی پیروزی انقلاب، آن را ناشی از توسعه ناهمگون رژیم پهلوی می‌داند؛ ولی در پایان ناچار می‌شود شگفتی خود را از پیروزی انقلاب اسلامی و نهضت دینی در جامعه‌ای که در مسیر توسعه و نوسازی گام برمی‌دارد، ابراز نماید و تصریح کند که در تاریخ معاصر جهان، انقلاب اسلامی پدیده‌ای بی‌همتاست؛ زیرا انقلاب ایران، نه یک گروه اجتماعی جدید مجهز به احزاب سیاسی و ایدئولوژی‌های غیر دینی، بلکه روحانیون سنتی را به قدرت رساند. (آبراهامیان، ۱۳۸۳، ص ۶۵۴)

وی با مقایسه دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، معتقد است که در رویداد نخست، روشن‌فکران پس از پیروزی، روحانیون را کنار گذاشتند و در انقلاب اسلامی، عکس آن رخ داد. او نقش کاریزمای امام خمینی را که با دو عامل «زندگی ساده» و «پرهیز از سازش»، به‌همراه هوشیاری در نمایندگی و رهبری طیف گسترده‌ای از نیروهای سیاسی و اجتماعی توانست رژیم را سرنگون کند، بی‌بدیل و فوق‌العاده می‌داند. به‌باور او، امام خمینی با وجود بدبینی تاریخی طبقه متوسط جدید به روحانیت، به دلیل بی‌اعتنایی شاه به آنها، اطمینان دادن امام به برقرار نشدن حکومت استبدادی دینی، و نبود موضع رسمی و منفی امام نسبت به شریعتی و به کار نرفتن اصول مورد نظر وی، توانست آنان را به انقیاد خود درآورد و با همراهی طبقه متوسط سنتی در کنار خیل عظیم طبقه کارگر شهری و همچنین پشتیبانی گسترده روستاییان، به پیروزی بزرگی دست یابد. (همان)

۴. وحدت مردم

انقلاب ملت ایران نشان داد که وحدت، راه را بر توطئه‌ها می‌بندد. امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرمود: در این پیروزی که نصیب ملت شد، دو چیز موثر بود: یکی، که از همه چیز بالاتر است، اینکه مقصد همه مقصد الهی بود. انگیزه، اسلام بود. می‌دیدیم که در شعارهایشان، در فریادهایشان، شعارهای اسلامی بود؛ فریادهای «الله اکبر». مقصد این بود که آنها را مخالف اسلام می‌دانستند، بروند کنار... جهت دیگرش هم، که به تبع آن آمده بود، وحدت همه قشرها بود؛ یعنی ملت سرتاسر این کشور به پا خاستند و با هم مقاصد خودشان را کنار گذاشتند؛ مطالبی که مال شخص بود، کنار

گذاشتند و همه به یک مقصد متوجه شدند. پس رمز پیروزی ما وحدت کلمه قشرهای مختلف، و ایمان بود». (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۴۸)

پژوهشگران غربی با اشاره به تأثیر انقلاب اسلامی بر وحدت کلمه و اتحاد امت اسلام می‌گویند: انقلاب اسلامی در ارتباط با وحدت کلمه، یک ظرفیت عظیم و تعبیه‌شده را با خود به‌همراه آورد که نقش کاربردی را در پیروزی انقلاب اسلامی ایران ایفا کرد. از دیگر سو، ظرفیت عظیم انقلاب اسلامی که مبتنی بر اندیشه ناب شیعی بود، ارتباط بین امت اسلامی را به‌صورت ذاتی طلب می‌کند. انقلاب ملت ایران در سال ۵۷، از ابتدا نام اسلام را با خود به‌همراه داشت و بر همین اساس، شیعه و سنی را زیر یک چتر واحد گرد هم آورد. بنابراین، ایران اسلامی تنها به اعتلای نام اسلام می‌اندیشید که با وحدت اسلامی صددرصد سازگار است.

پیروزی انقلاب اسلامی، در واقع نمایش قدرت اراده مردم مسلمان ایران بود. نمایش قدرت مردم ایران، منحصربه‌فرد بود و موجبات شگفتی جهانیان را رقم زد. یکی از کسانی که به نقش اراده و خواست مردم در پیروزی انقلاب توجه کرده، میشل فوکو است. او اراده مردم را مظهر قدرت مردم ایران برمی‌شمارد و آن چیزی را که اندیشمندان یک اسطوره سیاسی می‌دانستند، در ایران تحقق یافته می‌بیند. فوکو ادعا می‌کند که اراده جمعی مردم را دیده و این اراده، یک هدف داشته است و آن عبارت بود از خروج شاه. (فوکو، ۱۳۸۰، ص ۵۷)

فوکو می‌گوید: اراده جمعی، اسطوره‌ای سیاسی است که حقوق‌دانان یا فیلسوفان می‌کوشند به کمک آن، نهادها و غیره را تحلیل یا توجیه کنند. اراده جمعی، یک ابزار نظری است که هرگز کسی آن را ندیده است و خود من فکر می‌کردم که اراده جمعی، مثل خدا یا روح است و هرگز کسی نمی‌تواند با آن روبه‌رو شود؛ اما ما در تهران و سراسر ایران، با اراده جمعی یک ملت برخورد کرده‌ایم و باید به آن احترام بگذاریم؛ چون چنین چیزی همیشه روی نمی‌دهد. این اراده جمعی که در نظریه‌های ما همواره اراده کلی است، در تاریخ ایران هدفی کاملاً روشن و معین را برای خود تعیین کرده و بدین‌گونه در تاریخ ظهور یافته است. (همو، ۱۳۷۵، ص ۲۸)

اراده جمعی و اتحاد مردم که نشئت گرفته از اندیشه وحدت‌آفرین شیعه بود، به‌اندازه‌ای فراگیر بود که حتی بسیاری از نیروهای چپ هم به مردم پیوستند و

خواستار حکومت اسلامی شدند. فوکو در این باره برخی از مشاهدات خود را ذکر می‌کند و می‌گوید: من چندین نفر دانشجو را در میان جمعیت شناختم که با معیارهای ما، چپی محسوب می‌شوند؛ اما روی تابلویی که خواسته‌هایشان را نوشته و به هوا بلند کرده بودند، با حروف درشت نوشته بودند: حکومت اسلامی. (همان)

به اعتقاد فوکو در انقلاب ۱۹۷۹ ایران، تنها یک جبهه‌بندی وجود داشت و آن هم اجتماع همهٔ مردم ایران در برابر قدرت سیاسی حاکم بود که با داشتن انواع سلاح‌ها احساس خطر می‌کرد. مردم ایران در مقابل رژیم با چنان جایگاه و خصوصیتی، با دست خالی آن تظاهرات پیاپی و متعدد را برپا می‌کردند. بدین ترتیب، یک ملت به گونه‌ای خستگی‌ناپذیر و پیوسته، ارادهٔ خود را به نمایش گذاشته است. (همان)

۵. پیوند دین و سیاست

دین اسلام دین سیاسی است و علمای شیعه، همواره در سیاست حضور داشته‌اند. انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی برای خدا و معنویت و ارزش‌ها، نه تنها در اعتقادات اسلامی ریشه داشت، بلکه محرک و هدف خود را در دین می‌جست. انقلاب اسلامی، درگیری‌هایی را در میان نظریه‌های جدید و قدیم انقلاب در غرب ایجاد کرد و نظریات کلاسیک جامعه‌شناسی غربی را که اصولاً دین را عامل فرعی و حتی مزاحم تلقی می‌کردند و به جدایی دین از سیاست معتقد بودند، به چالش کشید. افرادی چون دورکیم (Durkheim) و مارکس معتقد بودند که در دنیای مدرن، دین به صورت امری حاشیه‌ای درمی‌آید و دنیوی شدن، فرایندی گریزناپذیر است. (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۵۰۵)

نسبت دین و سیاست در جامعهٔ ایران پیش از انقلاب اسلامی، از مواردی بود که دربارهٔ آن مباحث مختلفی ارائه شده است. در این میان، رهیافت‌های متفکران غربی به رابطهٔ دین و سیاست، عموماً تحت تأثیر تجارب تاریخی غرب و پذیرش اندیشهٔ انسان‌مداری قرار داشته است. در برداشت‌ها و نظریه‌های جدید نیز یکی از برداشت‌های نادرست، حذف دین به عنوان یکی از نیروهای موثر بر جنبش‌ها بود. تحلیلگران غربی معتقد بودند که پیدایش مدرنیزاسیون در کشورهای جهان سوم،

همچون غرب به جدایی دین از سیاست و سکولاریسم خواهد انجامید. دانیل لرنر، (Daniel Lerner) از نظریه‌پردازان نسل اول نوسازی است که در بررسی ایران در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی، اصولاً به نقش دین و مذهب در این روند، اشاره‌ای نمی‌کند و به کلی از اهمیت این حوزه غافل است؛ ولی این غفلت، نه به دلیل محسوس نبودن نقش دین در جامعه ایران در محدوده مطالعاتی وی، بلکه به علت مفروض‌ها و روش‌هایی بوده است که او درپیش گرفته و این موضوع مهم و تاریخی را از تحلیل خود حذف کرده است. (لرنر، ۱۳۸۳، ص ۹۸)

در مطالعات علوم اجتماعی نیز درگیری بین علم و دین همواره به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که در این نبرد، همواره علم در برابر دین پیروز بوده است؛ امری که با سیاست‌های غرب هماهنگ می‌باشد. بنابراین، روش‌شناسی علوم اجتماعی غرب توانسته است تحلیل مناسبی از رابطه دین و سیاست ارائه دهد. این موضوع، به سبک‌های مختلف مورد توجه تحلیلگران قرار گرفته است.

پیتر کالورت در کتاب /تقلاب و ضد/تقلاب می‌گوید: در واقع به یک اعتبار، انقلاب ایران حرکتی است حقیقی، و معیاری است برای آنکه ببینیم سکولاریسم جامعه غربی چنان گسترش یافته است که تنها تعداد محدودی از ما، از پیش تشخیص دادند که نیروی دین سنتی هنوز تا بدین اندازه قدرتمند است. (کالورت، ۱۳۸۳، ص ۶۳)

آیا با وجود انقلاب اسلامی، دنیوی شدن امری گریزناپذیر تلقی می‌شود؟ به اعتقاد برخی، در انقلاب ایران چیزی وجود دارد که غرب فاقد آن است. میشل فوکو می‌نویسد: برای مردمی که روی این خاک (ایران) زندگی می‌کنند، جست‌وجوی چیزی که ما غربی‌ها امکان آن را پس از رسانس و بحران زندگی مسیحیت ازدست داده‌ایم، چه معنا دارد؛ جست‌وجوی معنویت سیاسی؟ هم‌اکنون صدای خنده فرانسوی‌ها را می‌شنوم؛ اما من می‌دانم که اشتباه می‌کنند [من که آگاهی‌ام از ایران بسیار ناچیز است]. (فوکو، ۱۳۷۵، ص ۴۲) فوکو در ادامه می‌گوید: هیچ عبارتی برای ایرانیان، خنده‌آورتر، ابلهانه‌تر، خشک‌تر و غری‌تر از عبارت «دین افیون توده‌هاست»، وجود ندارد. تشیع، پیروان خود را به نوعی بی‌قراری مسلح می‌کند و در ایشان شوری

می‌دهد که هم سیاست است و هم دین. (همان، ص ۳۰) تشیع، همراه با احساس و عشق است؛ اما این احساس با تعقل و عقلانیت - که در مکتب تشیع بسیار مهم است - جهت می‌یابد.

پیروزی انقلاب و الگوی تشکیل حکومت اسلامی، در بطن آموزه‌های اسلام شیعی یافت می‌شود. ختم نبوت، سرفصل جدید امامت را گشود که از سویی حفظ شریعت پیامبر بر عهده متولیان آن نهاده شده بود و از سوی دیگر، آنان الگوی مردم بودند؛ ولی ظالمان تاریخ به آنها امان ندادند و با آنان مخالفت کردند؛ اما این مخالفت سبب سکوت و تسلیم ایشان در برابر حاکمان جبار نشد؛ بلکه هر کدام با راهبرد خاص خود با نظام حاکم مبارزه کردند و در این راه شهید شدند؛ و با شهادت خود، راه مبارزه را به رهروان خویش آموختند. شیعه با الهام از امامان خویش، جنبش خود را آغاز کرد. (همان، ص ۳۶-۳۷)

مهم‌ترین عامل تحقق انقلاب اسلامی، عناصر مختلف فرهنگ سیاسی شیعه و پیوند دین و سیاست بود که گسترش ایدئولوژی جدید را موجب شد. وجود رهبری و اصول مترقی شیعه، و سرانجام، رفتار سیاسی مردم در برابر رژیم، جریان انقلاب را به همان جهتی که مورد نظر عموم مردم بود، هدایت کرد. به همین دلیل، امام پس از ورود به ایران، بدون هیچ‌گونه رقیبی، رهبری نظام را در دست گرفتند و با رهبری و هدایت‌های خود، مانع دخالت دشمنان و نفوذ در نظام و شکست انقلاب شدند. به دلیل تأثیر فراوان عنصر تشیع در این انقلاب بود که پس از پیروزی آن، پژوهشگران غربی - که عمدتاً در شناخت اسلام، به مذهب تسنن روی می‌آوردند - به شناخت تشیع گرایش یافتند و تعداد محققان علاقه‌مند به مطالعه درباره شیعه دوازده‌امامی به صورت فزاینده‌ای گسترش یافت.

نتیجه

یکی از نتایج پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نشان دادن تحرک و کارایی مکتب اسلام در عصر حاضر به جهانیان بود. پیروزی انقلاب اسلامی ایران را می‌توان گوشه‌ای از قدرت اسلام و تشیع دانست. بسیاری از مستشرقان که در زمینه انقلاب

اسلامی ایران مطالعاتی داشته‌اند، ایران را به‌عنوان نمونه‌ای از احیای اسلامی که جهان اسلام را در طول دهه‌های گذشته دربر گرفته است، بیان می‌کنند.

اعتقاد به مهدویت، وجود منجی و اعتقاد به نیابت امام عصر علیه السلام، یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی انقلاب است که اندیشمندان غربی به آن اشاره کرده‌اند. آیین‌های مذهبی، همچون تاسوعا، عاشورا، اربعین، محرم و صفر، از جمله عواملی‌اند که رابطه‌ای معنادار و عمیق را بین عمل جمعی، آیین مذهبی و رفتاری از نوع حقوق عمومی در تظاهرات انبوه و مستمر مردم ایران در جریان انقلاب می‌توان مشاهده کرد.

برخی از متفکران غربی، نقش روحانیت، به ویژه نقش امام خمینی علیه السلام را که با دو عامل «زندگی ساده» و «پرهیز از سازش» به‌همراه هوشیاری در نمایندگی و رهبری طیف گسترده‌ای از نیروهای سیاسی و اجتماعی توانست رژیم را سرنگون کند، بی‌بدیل و فوق‌العاده می‌دانند. آنها همچنین به نقش وحدت مردم که در درون آیین مذهبی به‌صورت دسته‌جمعی و آن‌هم نشئت گرفته از مکتب تشیع - که در طول تاریخ به ایفای نقش در برابر ظلم و ستم قدرت‌های حاکم پرداخته است - توجه دارند.

یکی از عوامل دیگر، پیوند دین و سیاست، یا جست‌وجوی معنویت سیاسی است که اندیشه سیاسی شیعه بر پایه آن شکل گرفته است. پیروزی انقلاب و الگوی تشکیل حکومت اسلامی، در بطن آموزه‌های اسلام شیعی یافت می‌شود. با ختم نبوت، سرفصل جدید امامت گشوده شد که از سویی حفظ شریعت پیامبر بر عهده آنان بود و از سوی دیگر الگوی مردم بودند. شیعه با الهام از امامان خویش جنبش خود را آغاز کرد. این موارد از عواملی است که اندیشمندان غربی در مطالعه انقلاب اسلامی از زاویه نقش اندیشه شیعه به آن توجه کرده‌اند. وقوع انقلاب اسلامی در ایران، پیامدهایی را در منطقه داشت؛ از جمله اینکه عوامل مؤثر بر ژئوپلیتیک منطقه را متحول ساخت. در این راستا، ایدئولوژی اسلام ناب و مفاهیم و آموزه‌های انقلابی آن، افزون بر اینکه به‌منزله رقیب جدی برای لیبرالیسم غرب مطرح شد، به‌عنوان عاملی ژئوپلیتیک نیز نظر بسیاری از صاحب‌نظران غربی را به‌خود جلب کرد.

فهرست منابع

۱. آبراهامیان، یراوند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چاپ دهم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.
۲. ار. کدی، نیکی، ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم، ۱۳۶۹.
۳. اسپوزیتو، جان. ال، انقلاب ایران و بازتاب های جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲.
۴. اسکاچیول، تدا، «دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران»، ترجمه محمدتقی دلفروز، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.
۵. _____، «حکومت تحصیل‌دار و اسلام شیعی در انقلاب ایران»، در: رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، گردآوری عبدالوهاب فراتی، چاپ دوم، قم، معارف، ۱۳۷۹.
۶. بلخاری، حسن، تهاجم یا تفاوت فرهنگی، تهران، حسن‌افزا، [بی‌تا].
۷. جانسون، چالمرز، تحول انقلابی، ترجمه حمید الماسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۸. جرجیس، فواز، آمریکا و اسلام سیاسی، تصحیح محمدکمال سروریان، تهران، [بی‌تا]، ۱۳۸۲.
۹. حاجتی، میراحمدرضا، عصر امام خمینی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۱۰. حقیقی، شاهرخ، گذار از مدرنیته نیچه، فوکو، لیونار و دریدا، تهران، آگاه، ۱۳۸۱.
۱۱. خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۰، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۳.
۱۳. روزنامه رسالت، ۱۶ تیر ۱۳۸۱ و ۱۳ خرداد ۱۳۸۳.
۱۴. روزنامه اطلاعات، نوامبر ۱۹۸۹ م.
۱۵. شجاعیان، محمد، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، شیعه در اسلام، مقدمه سیدحسین نصر، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۵۴.
۱۷. طبرسی، ابوالی فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی صحت، تصحیح رضا ستوده، ج ۲۱، تهران، مؤسسه انتشاراتی فراهانی، ۱۳۵۸.
۱۸. عبدالحمید، ابوالحمد، مبانی سیاست، تهران، توس، ۱۳۷۰.
۱۹. عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.
۲۰. فوکو، میشل، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵.

۲۱. _____، ایران روح یک جهان بی‌روح؛ و نه مقاله دیگر، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، ج دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
۲۲. کالورت، پیتز، چکیده آثار آنتونی گیدنز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، ققنوس، ۱۳۸۳.
۲۳. کرامر، مارتین، «تشیع، مقاومت و انقلاب»، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو، ۱۹۸۴م، تهران، [بی‌نا]، ۱۳۶۸.
۲۴. کلر برید و پیر بلاشر، ایران؛ انقلاب به نام خدا، ترجمه قاسم صنعوی، تهران، سحاب، ۱۳۵۸.
۲۵. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵.
۲۶. لرنر، دانیل، گذر از جامعه سنتی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
۲۷. محمدی، منوچهر، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۲۸. _____، انقلاب اسلامی، قم، معارف، ۱۳۸۱.
۲۹. معدل، منصور، طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، [بی‌نا]، [بی‌جا]، [بی‌تا].
۳۰. وبر، مارکس، اخلاق پروتستانیزم و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالمعبودانصاری، تهران، سمت، ۱۳۷۴.

31. Jeffrey R. Halverson & Steven R. Corman, "Egypt and Iran", **A tale of two**, 21/02/2011.